

عشق در سینما | ۳ |

بوسه‌های دزدکی



- * سرشناسه: نجفی، صالح. ۱۳۵۴-،
- * عنوان و نام پدیدآور: عشق در سینما: بوسه‌های دزدکی / صالح نجفی
- * مشخصات نشر: تهران. نشر لگا. ۱۳۹۷ * فروست: عشق در سینما؛ ۳
- * شابک: ۰-۲۶-۸۹۸۷-۶۰۰-۹۷۸ * وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
- * یادداشت: کتاب‌نامه. نمایه * موضوع: بوسه‌های دزدکی (۱۹۶۸م.)
- * رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷/ب۹ PN1۹۹۷ * رده‌بندی دیویی: ۷۹۱/۴۳۷۵
- * شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۵۲۴۹۶۹

عشق در سینما
بوسه‌های دزدکی

صالح نجفی



نشرِ گَا

عشق در سینما
بوسه‌های دزدکی

— *** —

صالح نجفی
ویرایش رضا رحمتی‌راد

— *** —

چاپ دوم، ۱۳۹۹ * ۸۰۰ نسخه

«کلیه حقوق چاپ و نشر برای ناشر محفوظ است»

تهران: خیابان انقلاب، چهارراه کالج، ساختمان ۴۰۰، طبقه دوم، واحد ۵، نشر لگا

تلفن تماس: ۹۹ ۶۵ ۹۶ ۶۶ (۰۲۱)



www.legapress.ir



@lega.press

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۷	۱. مرور فیلم
۲۳	۲. واکاوی فیلم
۵۷	کتاب‌نامه
۵۹	نمایه

مقدمه

آشپز: غذاهای رژیمی ۳۰ درصد مالیات اضافی دارند، محرک‌های جنسی ۵۰ درصد. اما بر اساس آنچه دیدم باید بگویم عاشق شما نیازی به این جور چیزها نداشت.

همسر: تو چه دیدی؟ بگو، می‌خواهم بدانم. آخر کسی جز تو خبر نداشت. دل همه به حال من می‌سوخت. تو هم همین‌طور. اگر شاهدی نداشتی باشم از کجا بدانم او واقعاً عاشقم بود؟

آشپز: اگر عاشقتش بودی، خیلی ضروری به نظر نمی‌رسد.

همسر: اتفاقاً، خیلی ضروری است! به من بگو چه می‌دانی.

آشپز: من چیزهایی دیدم که خودت اجازه دادی ببینم.

همسر: البته. اگر کس دیگری نبود که کارهای ما را تماشا کند از کجا می‌دانستم رابطه‌مان واقعی است؟ به من بگو چه دیدی؟ نکند خجالت می‌کشی بگویی؟

آشپز: نه. دیدم که تو را می‌بوسید... جامه‌هایت را می‌کنند...
 همسر: من چه می‌کردم؟
 آشپز: می‌دیدم که می‌بوسی‌اش. می‌دیدم که در آغوشت
 می‌کشید...
 همسر: آیا عاشقان همیشه همین شکلی معاشقه می‌کنند؟
 آشپز: پدر و مادر من که همین شکلی معاشقه می‌کردند.
 همسر: واقعاً؟ با چشم‌های خودت دیدی؟
 آشپز: در سینما هم عاشقان بعضی وقت‌ها همین شکل رفتار
 می‌کنند.
 همسر: نه، این مهم نیست.
 آشپز: و در عالم خیال من (فانتزی) هم همیشه همین شکل
 است.
 همسر: هیچ وقت حسودی نکردی؟ به ما حسودیت نمی‌شد؟
 نمی‌خواستی به ما ملحق شوی؟ اگر می‌خواستی، حالا
 کمکم کن.
 آشپز: نه، جرجینا.
 همسر: برای زنده‌نگه داشتن خاطره‌ما که در آشپزخانه‌تو و در
 فانتزی‌های تو معاشقه می‌کردیم، حالا کمکم کن.
 آشپز: نه.
 همسر: برای زنده‌نگه داشتن خاطره‌ معاشقه‌ پدر و مادرت،
 حالا کمکم کن.

اورسن ولز در گفت‌وگو با خوان کوبوس، میگوئل روبیو، و خوزه آنتونیو پروندا دربارهٔ اقتباس عالی‌اش از محاکمه‌ی کافکا، گفت‌وگویی که اول‌بار در شمارهٔ ۱۶۵ کایه دوسینما در آوریل ۱۹۶۵ به چاپ رسید،* می‌گوید، «دوست ندارم "سکس" را روی پرده زشت و نابهنجار نشان دهم. این به خاطر اخلاق‌گرایی یا پاکیزه‌گرایی نیست؛ مخالفت من صرفاً جنبهٔ زیباشناختی دارد.» و سپس توضیح می‌دهد که معتقد است دو چیز هست که به هیچ‌وجه نباید روی پرده نشان داد: اجرای واقعی عمل جنسی و دعا به درگاه پروردگار. ولز می‌گوید، «وقتی بازیگری ادای عمل جنسی را درمی‌آورد یا وانمود می‌کند مشغول دعاست اصلاً باورم نمی‌شود. این دو چیز فوراً حضور دستگاه نمایش و پردهٔ سینما و یک مشت متخصص فنی و کارگردانی را که می‌گوید، "خوب است. قطع!" به یاد می‌آورد. و بعد می‌توانم تصورشان کنم که خود را آماده می‌کنند تا نمای بعد را فیلمبرداری کنند. درست مثل بازیگری که سعی می‌کند ظاهری عرفانی به خود بگیرد و مضطربانه به نورافکن نگاه می‌افکند...»

شاید این مهم‌ترین چالش سینما باشد: عشق را چگونه باید، اگر اصلاً بتوان، روی پرده نشان داد/ بازنمایی کرد؟ و یادمان باشد، اگر سینما نبود به احتمال زیاد آدم‌ها به شیوهٔ دیگری معاشقه می‌کردند یا شاید آدم‌ها می‌بایست به فکر راه‌های دیگری برای

* این گفت‌وگوی خواندنی و مهم را رحیم قاسمیان ضمیمهٔ ترجمهٔ خود از کتاب *سینمای اورسن ولز* کرده است. بنگرید به جوزف مک‌براید، *سینمای اورسن ولز*، انتشارات سروش، چاپ اول: ۱۳۷۴.

آموزاندن شیوه‌های عشق‌ورزی می‌افتادند. و مثل همیشه سؤال، آن وقت، این می‌بود که خود آموزگاران می‌بایست شیوه‌های «درست» عشق‌ورزی را از کجا یا از که بیاموزند؟ از حیوانات؟ و این، خود، دو سؤال شاید بی‌جواب دیگر پیش می‌کشید: آیا حیوانات، و رای غریزه بقا و انجام عمل جنسی به قصد تولید مثل، چیزی چون «عشق» را تجربه می‌کنند؟ آیا می‌توان به جفت‌گیری حیوانات به چشم معاشقه نگریست؟* و دوم اینکه، اگر نام جفت‌گیری حیوانات را معاشقه بگذاریم چه راهی جز فیلمبرداری و در نهایت چه وسیله‌ای جز سینما برای آموزاندن شیوه‌های عشق‌ورزی به آدم‌ها بر اساس رفتار حیوانات داریم؟ و پس از این‌ها بار دیگر معضله‌ای مطرح می‌شود که اورسن ولز به آن اشاره می‌کند: عمل جنسی را، نه به دلایل اخلاقی بلکه به علل زیباشناختی ناب، نباید روی پرده نشان داد. و سینما چه راهی برای بازنمایی عشق (منظور «عشق افلاطونی» یا «عشق منزه» نیست) جز نمایش/بازنمایی عمل جنسی/معاشقه دارد؟

پیتر گرین‌اوی در پایان دهه ۱۹۸۰ موفق‌ترین و جنجالی‌ترین فیلم خود و یکی از بحث‌انگیزترین و نامتعارف‌ترین عاشقانه‌های تاریخ سینما را ساخت: فیلمی با عنوانی که در بحث‌انگیزی چیزی

* این سؤالی است که، به گمانم، عباس کیارستمی در آخرین فیلمی که از او به یادگار مانده مطرح می‌کند. بخش عمده فیلم عجیب ۲۴ قاب (24 Frames) به نظاره قرارهای عاشقانه و مناسبات اجتماعی گونه‌هایی از حیوان‌ها می‌پردازد که رفتارهاشان از جهاتی به رفتارهای آدمیان نزدیک است، البته نه از منظر نظریه تطوّر انواع یا تکامل داروینی. میمون‌ها نقشی در فیلم او ندارند.